

اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اشتغال ماهر و غیرماهر بخش خدمات ایران

اکبر کمیجانی

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، komijani@cbi.ir

صالح قویدل

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، salleh_mogh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۵/۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۱/۲۴

چکیده

در این تحقیق، اثرات یکی از مهم‌ترین پیامدهای جهانی شدن اقتصاد، تحت عنوان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال در زیر بخش‌های خدمات ایران، بررسی شده است. برای این منظور، اثر شکاف بهره‌وری نیروی کار زیر بخش‌های خدمات ایران با کشورهای توسعه یافته، بر نسبت نیروی کار ماهر به غیر ماهر در هنگام ورود شرکت‌های چند ملیتی (اثر سرریز)، با استفاده از مدل ادغام داده‌ها (تلفیقی از داده‌های سری زمانی و مقطعی)، در بین سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۳ نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهند که در هنگام ورود شرکت‌های چند ملیتی، بنگاه‌های خدماتی فعال در بخش‌های خدمات، می‌توانند با استخدام بیشتر نیروی کار ماهر، بهره‌وری نیروی کار خود را افزایش و با بنگاه‌های خارجی رقابت کنند (اثر سرریز)، که البته بخش مستغلات - اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، در رتبه اول از نظر جذب نیروی کار ماهر و افزایش نسبت نیروی کار ماهر به غیر ماهر (اثر سرریز) قرار دارند.

طبقه‌بندی JEL: F02, E24.

کلید واژه: جهانی شدن اقتصاد، اشتغال، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نیروی کار ماهر و غیرماهر، اثر سرریز، شکاف بهره‌وری، بخش خدمات.

۱- مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌مداران و اقتصاددانان، تأثیر پدیده جهانی شدن اقتصاد بر متغیرهای واقعی اقتصاد، مانند تولید و اشتغال است. جهانی شدن اقتصاد، به معنای هم‌گرایی، یکسان‌سازی و ادغام بازارهای اقتصادی، از جمله بازار کالا، کار، پول و سرمایه، در سطح بین‌الملل است. این مهم، با رشد تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد جریان سرمایه در سطح بین‌الملل و افزایش به‌کارگیری تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در دو دهه اخیر، با شدت بیشتری اقتصاد کشورهای مختلف را تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که اکثر مطالعات در این باره، نشان می‌دهند که تقریباً کم‌تر کشوری می‌تواند بدون توجه به تحولات بین‌المللی و جهانی، سیاست‌های بهینه‌ای برای افزایش رفاه، اشتغال، تولید و... در اقتصاد داخلی خود ایفا کند. در این تحقیق، نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای جهانی شدن اقتصاد بر بازار کار و اشتغال بخش خدمات ایران، پیش‌بینی می‌شود. امیدواریم، نتایج به‌دست آمده، بتوانند راه‌کارهایی را برای کاهش اثرات منفی و افزایش اثرات مثبت این پدیده، ارائه کنند.

شاخص‌های عمده جهانی شدن اقتصاد که در سه مقوله مهم خلاصه می‌شوند، شامل تحولات اخیر تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان سرمایه و در نهایت، تغییرات تکنولوژیکی میان کشورها است، به طوری که تقریباً همه کشورها برای استفاده از مزایای آن و تلاش برای مقابله با زیان‌های آن، اقدامات عملی و مطالعاتی زیادی در هر سه مقوله جهانی شدن اقتصاد انجام داده‌اند.

در این تحقیق، تأثیر جهانی شدن اقتصاد در قالب ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر پنج زیر بخش خدمات، براساس تقسیم‌بندی ISIC، که عبارتند از: خدمات بازرگانی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی)، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گری‌های مالی (بانک و بیمه) و مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار شخصی، بررسی می‌شود.

۲- هم‌گرایی بازارهای مالی^۱ و اشتغال

آزادسازی در بازارهای مالی، به معنی آزادی در ورود و خروج سرمایه بین کشورها است، یا به عبارت دیگر، انعطاف‌پذیری بیشتر در حساب سرمایه در تراز پرداخت‌های خارجی یک کشور، به معنی افزایش درجهٔ باز بودن مبادلات مالی است. جریان سرمایهٔ بین کشورها در اقتصاد کنونی، به دو شکل انجام می‌گیرد، جریان سرمایه به صورت پرتفولیو (سرمایه‌گذاری در سبد دارایی)، که به‌طور عمده باتوجه به اختلاف در نرخ‌های بهرهٔ بین کشورها است و جریان سرمایه به سوی کشورهایی خواهد بود که دارای نرخ بهرهٔ بالاتری‌اند. البته این فرایند، به بسیاری از متغیرهای اقتصادی، سیاسی و ... از جمله نرخ ارز نیز بستگی دارد، که برخی از محققان همهٔ این موارد را با هزینهٔ انتقال سرمایه نشان می‌دهند (اکل^۲ ۲۰۰۴، هافلر^۳ ۱۹۹۷). دومین جریان سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که در این روش، سرمایه‌گذاران خارج از کشور، سرمایه‌های خود را به صورت فیزیکی در ماشین‌آلات، زمین و ... به کار می‌گیرند و به‌طور عمده عوامل مؤثر بر جذب این‌گونه سرمایه‌ها، امنیت سرمایه، سوددهی، بازار در کشور میزبان و فراوانی نیروی کار ارزان است. تأثیر رشد مبادلات مالی و جریان سرمایهٔ بین کشورها بر اشتغال و بازار کار، از نظر مبانی نظری و براساس تابع تقاضای نیروی کار، که یک تابع مشتق‌شده از تولید و تقاضا برای محصولات است، به این ترتیب، است که ورود سرمایه و در نتیجهٔ آن سرمایه‌گذاری جدید، منجر به رشد تولید و در نهایت، افزایش تقاضا برای نیروی کار خواهد شد و برعکس، خروج سرمایه، سرمایه‌گذاری و تقاضا برای نیروی کار را کاهش می‌دهد.

در دههٔ ۱۹۸۰ میلادی، گروهی از کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی، با آزادسازی بازارهای مالی، موفق به جذب سرمایه‌های فراوانی از کشورهای توسعه یافته شدند، که عمدهٔ این سرمایه‌ها، به صورت پرتفولیو بود و رشد و اشتغال قابل توجهی را برای اقتصاد آنان به ارمغان آورد. اما بحران سال ۱۹۹۷ میلادی که منجر به فرار سرمایه از این کشورها شد (این بحران به بحران مالی معروف است)،

1- Financial integration.

2-Carsten Eckel.

3-Haufler, Andreas.

سبب شد که در ادبیات بازارهای مالی و سرمایه تحولاتی رخ دهد و هم‌چنین توصیه‌های نهاده‌های بین‌المللی برای کشورهای در حال توسعه، تغییر کند (فیشر^۱ ۲۰۰۳). چرا که باز بودن بازار سرمایه در این کشورها، سبب شده بود که دولت‌ها نتوانند کنترل مناسبی بر سرمایه‌های داخل کشور داشته باشند و با ایجاد یک شوک در اقتصاد بین‌الملل، فرار سرمایه از این کشورها آغاز شد. لذا با وجود این بحران مالی، عمده اقتصاددانان (فیشر، راما^۲ ۲۰۰۳، لعل^۳ ۲۰۰۲ و دیگران) به این نتیجه رسیدند، که مناسب‌ترین روش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تشویق برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، لذا کشوری که بتواند از طریق آزادسازی مالی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب کند، دارای درجه‌ی باز بودن مالی بالاتری نسبت به کشورهای دیگر است که نتوانند این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها را جذب کنند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به دو دسته تقسیم می‌شود، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی (مارکوزن^۴ ۱۹۸۴، هورستمن^۵ و مارکوزن ۱۹۹۲، بریانارد^۶ ۱۹۹۳، مارکوزن و ونابلس^۷ ۲۰۰۰، دی سانتیس^۸ و استاهلر ۲۰۰۴) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی (هلپمن^۹ ۱۹۸۴، هلپمن و کروگمن^{۱۰} ۱۹۸۵) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی، به‌طور عمده در میان کشورهای پیشرفته صنعتی، که از نظر امکانات تولید و موجودی عوامل یکسان‌اند تعریف می‌شود. در این حالت، با ایجاد بنگاه‌های جدید در دیگر کشورها توسط شرکت‌های چندملیتی، به جای صادرات کالا یا خدمات، انتقال خود بنگاه انجام می‌گیرد. این حرکت، بستگی به بازار کشور مقابل و اجتناب از هزینه‌ی تجارت دارد. بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی، جایگزین تجارت می‌شود. این نوع از سرمایه‌گذاری

1-stanley fisher.

2- Martin Rama.

3- Sanjaya Lall.

4-Markusen.

5-Horstman.

6-Brainard.

7-Venables.

8-De Santis.

9-Helpman.

10-Helpman & Krugman.

مستقیم خارجی، حجم بالایی را به خود اختصاص می‌دهد (بریانرد^۱ ۱۹۹۷، بلونی جن^۲ ۲۰۰۱، مارکوسن و ماسکاس^۳ ۲۰۰۰). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بین کشورهای انجام می‌گیرد که از نظر امکانات تولید و موجودی عوامل یکسان نیستند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی، در صورتی اتفاق می‌افتد، که یک صنعت، نیاز به دو عامل نیروی کار ماهر و نیروی کار غیرماهر داشته باشد. در این حالت، انتقال بخشی از کارخانه (که نیازمند نیروی کار غیرماهر است) به کشوری که دارای نیروی کار غیرماهر فراوان و ارزان است، سودمند خواهد بود. بنابراین، این سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مکمل تجارت است. معمولاً این‌گونه شرکت‌های چند ملیتی، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار و عمده‌ترین مالکیت را دارند، لذا این‌گونه شرکتها، حق امتیاز خود را به شرکت‌های خارجی نمی‌دهند و آن‌ها فقط به دلیل عوامل تولید و مواد اولیه به کشورهای میزبان انتقال می‌یابند و در صورتی که بتوانند مواد اولیه و واسطه‌ای را از کشورهای دیگر با هزینه، حمل و نقل پایین وارد کنند، این نوع سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود.

حال این‌که تأثیر این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها بر رشد اشتغال و افزایش تقاضا برای نیروی کار، همانند تئوری رشد سرمایه‌گذاری، تولید و سپس اشتغال است. به همین منظور، بسیاری از اقتصاددانان نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی یک کشور را، به عنوان شاخصی برای باز بودن مالی یا هم‌گرایی مالی معرفی می‌کنند^۴. از جمله شواهدی که در این باره می‌توان ارائه کرد، مطالعه راما (۲۰۰۳) است، که نشان‌دهنده اثر مثبت سرمایه‌گذاری خارجی بر دستمزدها در کوتاه مدت است، به طوری که در کوتاه مدت، یک افزایش ۱۰ درصدی در نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی، سبب افزایش حدود ۲ درصد در سطح دستمزدها می‌شود، ولی به مرور زمان، اثر FDI بر سطح دستمزدها کم می‌شود و اثر باز بودن تجاری به مرور زمان افزایش می‌یابد و می‌تواند اثر آن را خنثی کند، به طوری که بعد از

1-Brainard.

2- Blonigen.

3- Maskus.

۴- این شاخص توسط مؤسسه هریتیج، فریزر، A.T.Kearny و ... عنوان شده است و همچنین اقتصاددانان تجارت بین‌الملل از این شاخص بعنوان درجه باز بودن مالی یک کشور استفاده نموده‌اند.

۵ سال، اثر FDI بر سطح دستمزدها معنی دار نیست. در همین مطالعه، نشان داده شده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، منجر به افزایش اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌شود و جالب این‌که، افزایش درجهٔ باز بودن مالی یا همان رشد نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی، نرخ تحصیلات دانشگاهی را نیز افزایش داده است. هم‌چنین گرین^۱، دی‌کرسون و آرباچی (۲۰۰۰)، دریافتند که ترکیب‌اشتغال و سطح دستمزدها در قبل و بعد از آزادسازی تجاری و مالی در برزیل، به نفع نیروی کار ماهر است و هم‌چنین نرخ تحصیلات دانشگاهی نیز افزایش می‌یابد.

از موارد دیگری که در ادبیات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اشتغال بیان می‌شود، نقش شرکت‌های چندملیتی در موقعیت آزادسازی مالی در کشورهای میزبان است. باتوجه به این‌که سرمایه و نیروی کار، دو عامل مکمل برای تولیداند، بنابراین، ورود سرمایه از کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه، موجب افزایش تقاضا برای نیروی کار می‌شود، اما باتوجه به این‌که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به‌طور عمده به شکل شرکت‌های چندملیتی در کشورهای میزبان ظهور می‌کنند، تقاضا برای نیروی کار ماهر، بیشتر از تقاضا برای نیروی کار ساده و غیرماهر است. چرا که این شرکت‌ها، به‌طور عمده دارای بهره‌وری بالاتر نسبت به شرکت‌های داخلی‌اند و لذا تقاضای آن‌ها برای نیروی کار ماهر در کشور میزبان بیشتر است^۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نسبت تقاضای نیروی کار ماهر به غیرماهر در شرکت‌های داخلی نیز تأثیرگذار است (اثر سرریز^۳) و آن‌ها نیز با به‌کارگیری فناوری‌های جدید و استفاده از تجربهٔ شرکت‌های خارجی سعی در افزایش بهره‌وری و پوشاندن شکاف بهره‌وری بین خود و شرکت‌های چندملیتی، از طریق افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر دارند. (تایلور و دریفیلد^۴ ۲۰۰۱). اما اعتقاد بر این است که اثر سرریز(نسبت نیروی کار ماهر به غیر ماهر) در موقعیتی ظهور می‌یابد، که اولاً، شکاف بهره‌وری بین شرکت‌های داخلی و خارجی وجود داشته باشد و ثانیاً، این شکاف خیلی زیاد نباشد، بنابراین، چنان‌چه شکاف

1- Green, Dickerson, Arbache.

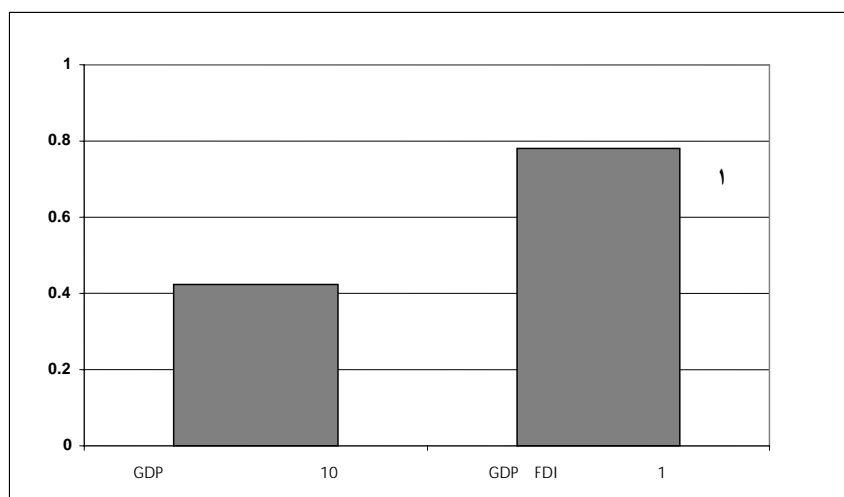
۲- البته لازم به ذکر است، که سطح مهارت در کشور مبدأ و کشور میزبان شرکت‌های چندملیتی، با هم متفاوت است، به همین منظور، شرکت‌های چندملیتی در کشور میزبان، به استخدام نیروی کار ماهر که دستمزد آنها نسبت به کشور مبدأ کم‌تر است، می‌پردازند.

3- Spillover effect.

4- Taylor, Driffield.

تکنولوژی در حد معینی باشد، اثر سرریز بنگاه‌های خارجی به بنگاه‌های داخلی، به شکل افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر ظهور می‌کند.

نمودار (۱)، نشان می‌دهد که جهانی شدن که با دو شاخص باز بودن تجارت و نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است، می‌تواند تأثیر مثبتی بر افزایش دستمزد نیروی کار ماهر و تحصیل کرده بگذارد. این شکل، حاصل ۳۰۰ مطالعه انجام شده با روش‌های مختلف اقتصادسنجی است. در این شکل، میله دوم نشان می‌دهد، که در اثر افزایش یک درصدی در نسبت $\frac{FDI}{GDP}$ یک سال به تحصیلات اضافه می‌شود و این، خود منجر به افزایش ۱۰ درصدی در شکاف دستمزدها بین نیروی کار تحصیل کرده و ساده می‌شود. لازم به ذکر است که افزایش دستمزد کارگران تحصیل کرده، محرکی برای افزایش نرخ تحصیلات خواهد بود.



Rama (2003)

نمودار ۲-۳- ارتباط جهانی شدن و تحصیلات دانشگاه در جهانی

البته، آزادسازی مالی که با نسبت $\frac{FDI}{GDP}$ نشان داده می‌شود، اثرات مخربی بر فرصت‌های شغلی که در یک اقتصاد بسته وجود دارد، خواهد داشت، که از آن جمله می‌توان وجود شغل‌های موقت و غیردائمی، ناامنی شغلی و انعطاف پذیری در قوانین مربوط بین کارگر

و کارفرما و هم‌چنین در صورت وجود شکاف بهره‌وری زیاد، امکان عدم وفق دادن شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی نتیجه تعطیلی این بنگاه‌ها، اشاره کرد.

۳ - مطالعات مربوط به آزادسازی مالی و بازار کار

البرفلد، گوتز و استاهلر (۲۰۰۴)^۱، در مقاله‌ای عنوان «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی، رفاه و اشتغال»، تأثیر FDI عمودی بر اشتغال در کشور مبدأ و مقصد را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، یک تابع هزینه تشکیل می‌شود، که داده‌ها یا عوامل عبارتند از: نیروی کار ماهر، نیروی کار غیرماهر، که W^u و W^s ، به ترتیب دستمزد نیروی کار ماهر و غیرماهر در کشور مبدأ است. و دستمزد نیروی کار غیرماهر در کشور مقصد، که یک شرکت چند ملیتی با آن مواجه خواهد شد، با W^m نشان داده شده است و فرض می‌شود که نیروی کار ماهر در کشور مقصد وجود ندارد و این عمل، از طریق انتقال نیروی کار ماهر از کشور مبدأ به مقصد انجام می‌گیرد. آن‌ها نشان می‌دهند که تعداد شرکت‌های چند ملیتی و میزان تولید شرکت‌های چند ملیتی، تأثیر مثبت می‌دهند بر تقاضا برای نیروی کار در کشور مبدأ دارند.

اکل (۲۰۰۰)، اعتقاد دارد که تأثیر جریان سرمایه بر دستمزدها و اشتغال، به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن اقتصاد، به طور کامل روشن نیست، ولی باگواتی^۲ و دیهجیا^۳ (۱۹۹۴)، عنوان می‌کنند که ورود سرمایه سبب افزایش شکاف دستمزدها می‌شود، این در حالی است که ریچاردسون^۴ (۱۹۹۵)، در یک مدل تجارت استاندارد 2×2 ^۵ نشان می‌دهد که یک افزایش در مقدار سرمایه، تأثیری بر نسبت بهره‌وری عوامل کل تولید ندارد و قیمت‌های نسبی کالاها نیز ثابت می‌مانند (براساس تئوری ریپزینسکی^۶)، اما تئوری ریپزینسکی، در قالب مدل استاندارد بیان می‌شود، یعنی زمانی که تعداد کالا و تعداد عوامل با هم برابرند، اما در مطالعه‌ای که توسط داسگوپاتا^۷ و

1- Walter Elberfeld, Georg gotz and Frank Stahler.

2- Bhagawti.

3- Dehejia.

4- Richardson.

۵- مدل 2×2 ، یعنی دو کالا و دو عامل تولید برای تجارت در نظر گرفته می‌شوند.

6- Rybczynski.

7- Dasgupta.

اسانگ^۱ (۱۹۹۹)، انجام شده است، تأثیر تغییرات موجودی سرمایه بر دستمزدهای نسبی عوامل دیده شده است. آن‌ها دریافتند که یک اثر مثبت در اثر تغییر در موجودی سرمایه بر دستمزد نسبی به نفع دستمزد در بخش مهارت‌پذیر است. اکل تأثیر سه پارامتر مهم جهانی شدن اقتصاد، یعنی تجارت، تکنولوژی و هم‌گرایی بازار سرمایه را به صورت جداگانه بررسی کرد و برای نشان دادن برآیند تأثیر جهانی شدن بر بازار کار، می‌بایست اثر هر سه مقوله، را با هم بررسی می‌کرد. برای این منظور، دو کشور وارد کننده سرمایه و صادرکننده سرمایه را به تفکیک در نظر گرفت، که نتایج آن در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱ - تغییرات در نابرابری دستمزد θ (نسبت دستمزد نیروی کار ماهر به غیر ماهر) و نرخ بی‌کاری نیروی کار غیرماهر (ii)، برای کشورهای واردکننده و صادرکننده سرمایه در هنگام رویارویی با جهانی

شدن اقتصاد

	اثر نقل و انتقال سرمایه	اثر تغییرات تکنولوژی	اثر تجارت بین‌الملل	اثر نهایی
کشور وارد کننده سرمایه	$\theta \uparrow u \downarrow$	$\theta \uparrow \bar{u}$	$\theta \uparrow u \uparrow$	$\theta \uparrow \uparrow u \downarrow$
کشور صادرکننده سرمایه	$\theta \downarrow u \uparrow$	$\theta \uparrow \bar{u}$	$\theta \uparrow u \uparrow$	$\theta \downarrow \downarrow u \uparrow \uparrow$

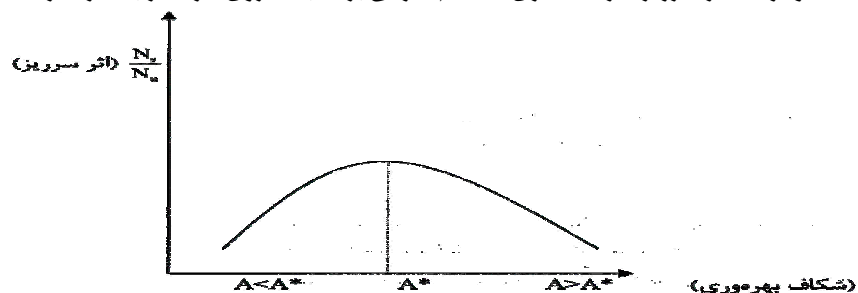
Source: Eckel Carsten (2000)

بنابراین، در کشورهای واردکننده سرمایه، تکلیف نابرابری دستمزد روشن است (افزایشی است)، ولی نرخ بی‌کاری نامشخص است (مانند کشور آمریکا در دو دهه اخیر) و در کشورهای صادرکننده سرمایه، تکلیف نابرابری دستمزد مشخص نیست، اما نرخ بی‌کاری افزایش می‌یابد (مانند آلمان و ایتالیا بین سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۸۵).

۴ - روش شناسی تأثیر اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بر بازار کار

تایلور^۱ و دریفیلد^۲ (۲۰۰۲)، اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان را، تابعی از اندازه سطح شکاف بهره‌وری بین بنگاه‌های خارجی و داخلی می‌دانند. به‌طوری‌که، اگر شکاف تکنولوژی بین بنگاه‌های داخلی و خارجی وجود نداشته باشد، اثر سرریز نیز وجود ندارد و ساختار نیروی کار ماهر و غیرماهر تغییری نمی‌کند، اما اگر شکاف بهره‌وری بین بنگاه‌های داخلی و خارجی وجود داشته باشد و این شکاف در حد متناسبی باشد، اثر سرریز وجود دارد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، موجب تغییر ساختار نیروی کار در بازار کار می‌شود. به همین دلیل، ارتباط میان اثر سرریز و اختلاف در تکنولوژی (خارجی و داخلی در یک صنعت)، یک رابطه خطی نیست، به همین منظور، در این تحقیق، یک ارزش بحرانی برای شکاف بهره‌وری در نظر گرفته شده است، که در آن بیشترین اثر سرریز ملاحظه و در کم‌تر و بیشتر از آن، اثر سرریز کاهش می‌یابد و در نتیجه تأثیر بر ساختار اشتغال نیز کاهش می‌یابد. در شکل (۲)، این مطلب نشان داده شده است.

نمودار ۲- اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر



$$A = FLP / DLP \quad (1)$$

FLP = بهره‌وری نیروی کار بنگاه خارجی

DLP = بهره‌وری نیروی کار بنگاه داخلی

1-Karl Taylor.

2-Nigel Driffield.

وقتی A به سمت A* حرکت می‌کند، اثر سرریز افزایش می‌یابد. براساس این تحلیل مدل ارایه شده در این تحقیق به شرح ذیل است:

نسبت اشتغال نیروی کار ماهر به غیرماهر تابعی از موجودی سرمایه (k)، تولید (y) و دیگر عوامل (z) است،

$$\frac{N_s}{N_u} = F(y, k, z) \quad (2)$$

که Ns نشان‌دهنده اشتغال نیروی کار ماهر و Nu، نشان‌دهنده اشتغال نیروی کار غیرماهر است.

مطالعات هانسون^۱ و فنسترا^۲ (۱۹۹۶)، آتور^۳، کاتز^۴ و کروگر^۵ (۱۹۹۸)، بلونینگ^۶ و سلوتر^۷ (۱۹۹۶)، نشان می‌دهد که امکان انتقال تابع تقاضای نیروی کار، با متغیرهایی هم‌چون تکنولوژی و تجارت وجود دارد هم‌چنین آن‌ها اعتقاد دارند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به نوعی سبب انتقال تابع تقاضای نیروی کار می‌شود. بنابراین، متغیر z، تابعی است از تکنولوژی، تجارت و اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که با نسبت بهره‌وری خارجی به داخلی نشان داده می‌شود.

$$z = [FDI(A), \text{تجارت}, \text{تکنولوژی}] \quad (3)$$

در هر بخش، جانشین برای تکنولوژی، همان میزان R & D است و برای رقابت خارجی، متغیر واردات در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، در این روش، نشان خواهیم داد که چگونه نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر، از FDI تأثیر می‌پذیرد. مدل به شرح ذیل است:

$$\left(\frac{N_s}{N_u} \right) = \Omega + \lambda K_{it} + \gamma y_{it} + \phi (R \& D / y)_{it-1} + \theta (Imports / y)_{it} + \pi A_{it} + \beta M_{it} + V_{it} \quad (4)$$

-
- 1- Hanson .
 - 2- Fennstra.
 - 3- Autor .
 - 4-Katz .
 - 5-Krueger.
 - 6-Blonigen .
 - 7-Slaughter .

$$V_{it} = \delta_i + \psi_t + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

$$\varepsilon_{it} \approx \text{IID}(0, \sigma^2) \quad (6)$$

که i نشان‌دهندهٔ صنعت، t زمان، N اشتغال، y محصول، k موجودی سرمایه، $R\&D/y$ نشان‌دهندهٔ تکنولوژی (نسبت مخارج تحقیق و توسعه، به تولید)، $Import/y$ نشان‌دهندهٔ تجارت (نسبت واردات به تولید)، A قبلاً تعریف شده، Ω ضریب ثابت و M برداری از سایر موارد، که بر روی نسبت نیروی کار ماهر و غیرماهر در مناطق مختلف و در صنایع مختلف تأثیرگذار است، و δ_i نشان‌دهندهٔ اثرات غیرقابل مشاهده در سطح صنایع، ψ_i اثرات مربوط به زمان و ε_{it} باقی مانده است.

براساس تحقیقات هانسون و فنسترا (۱۹۹۶)، آتور، کاتز و کروگر (۱۹۹۸)، بلونینگن و سلوتر (۱۹۹۶) ارتباط میان $R\&D/y$ و $\frac{N_s}{N_u}$ ، با یک وقفه است، چرا که ارتباط هم‌زمان

و معنی‌دار میان $R\&D$ و $\frac{N_s}{N_u}$ ، مبهم است. اما به صورت تئوریک داریم:

$$\frac{\partial(N_s / N_u)_{it}}{\partial(R\&D / y)_{it-1}} > 0 \quad (7)$$

که این موضوع به این معنی است که مهارت تکنولوژی‌بر است. و همچنین، داریم:

$$\frac{\partial(N_s / N_u)_{it}}{\partial(Import / y)_{it}} > 0 \quad (8)$$

و اثر FDI بر $\frac{N_s}{N_u}$ ، با در نظر گرفتن اثر سرریز می‌بایست مثبت باشد، یعنی:

$$\frac{\partial(N_s / N_u)_{it}}{\partial(FDI)_{it}} > 0 \quad (9)$$

یا به عبارت دیگر، سرریز تکنولوژی مهارت‌بر است. اختلاف اثر FDI در میان بخش‌های مختلف، با اختلاف میان بهره‌وری در شرکت‌های خارجی به داخلی اندازه‌گیری می‌شود، به طوری که، اثر اختلاف تکنولوژی یا بهره‌وری نیروی کار (A) بر

نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر $\left(\frac{N_s}{N_u}\right)$ ، به شرح ذیل است:

$$\frac{\partial \left(\frac{N_s}{N_u} \right)}{\partial(A)} > 0 \quad (10)$$

$$\frac{\partial^2 \left(\frac{N_s}{N_u} \right)}{\partial(A)^2} < 0 \quad (11)$$

بنابراین، می‌توان معادله (۴) را به صورت زیر باز نویسی کرد:

$$\left(\frac{N_s}{N_u} \right) = \Omega + \lambda K_{it} + \gamma y_{it} + \phi (R \& D / y)_{it-1} + \theta (\text{Im ports} / y)_{it} \quad (12)$$

$$+ P_1 A_{it} - P_2 A_{it}^2 + \beta M_{it} + V_{it}$$

$$V_{it} = \delta_i + \psi_t + \varepsilon_{it} \quad (13)$$

$$\varepsilon_{it} \approx IID(0, \sigma^2) \quad (14)$$

این معادله درجه دوم، دارای یک حداکثر است، به همین منظور، علامت P_2 را منفی در نظر گرفته‌ایم. اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق، داده‌های پنج زیربخش خدمات در ایران به تفکیک گروه‌های ISIC اند. مدل برآورد شده برای این منظور، به صورت ادغام داده‌های سری زمانی و مقطعی^۱ در بین پنج زیربخش خدمات در دوره سال‌های ۸۳ - ۱۳۷۶، شامل متغیر هزینه سرمایه (R)، ارزش افزوده هر بخش (V_i) و شکاف بهره‌وری نیروی کار زیربخش A_m با زیربخش A_i ، کشورهای توسعه یافته است (A_i):

$$\left(\frac{N_s}{N_u} \right)_{it} = C_{it} + \beta_{1it} R_{sit} + \beta_{2it} V_{it} + \beta_{3it} A_{it} - \beta_{4it} A_{it}^2 \quad (15)$$

که t ، دوره زمانی سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ را بیان می‌کند و i نشان‌دهنده پنج زیربخش خدمات (خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گری‌های مالی، مستغلات - اجاره و فعالیت‌های کسب و کار شخصی)، است. در ضمن، متغیرهای نسبت واردات به تولید و نسبت مخارج تحقیق و

توسعه به تولید، به دلیل عدم وجود اطلاعات به تفکیک گروه‌های ISIC بخش خدمات در مدل، مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

اطلاعات مربوط به نیروی کار ماهر و غیرماهر، با مترادف قرار دادن مهارت برابر با تحصیلات عالی به دست می‌آید، که منبع اطلاعاتی آن، نمونه‌گیری از ویژگی‌های اشتغال و بی‌کاری خانوار مرکز آمار ایران و برآورد اشتغال دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. اطلاعات مربوط به هزینه سرمایه، که در مدل، با علامت اختصاری (RS) نشان داده شده است، هزینه سرمایه سرانه^۱ مربوط به بخش خدمات است، چرا که هزینه سرمایه سرانه، به تفکیک بخش‌های مختلف خدمات، به دلیل عدم وجود موجودی سرمایه در زیربخش‌های خدمات، امکان‌پذیر نیست، لذا فرض شد که هزینه سرمایه سرانه تمام زیربخش‌های خدمات، یکسان و برابر با هزینه سرمایه سرانه در بخش خدمات است. اما اطلاعات مربوط به متغیر A، که نسبت بهره‌وری نیروی کار بخش نام در کشورهای توسعه یافته، به بهره‌وری نیروی کار بخش نام در ایران است، درباره بهره‌وری نیروی کار زیربخش‌های خدماتی در ایران، نسبت ارزش افزوده به نیروی کار، به عنوان شاخص بهره‌وری نیروی کار در نظر گرفته شد، که اطلاعات آن از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اخذ شده است. اما برای محاسبه بهره‌وری نیروی کار در کشورهای توسعه یافته، فرض شد که چنانچه ایران در تعامل با اقتصاد جهانی موفق باشد، ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در قالب شرکت‌های چندملیتی، غالباً از کشورهای اروپایی خواهد بود^۱. بنابراین، بهره‌وری نیروی کار (نسبت ارزش افزوده به اشتغال) در زیربخش‌های خدمات این کشورها، با استفاده از اطلاعات بانک جهانی^۲ محاسبه شد.

۵ - بررسی مقایسه‌ای شکاف بهره‌وری نیروی کار، در زیربخش‌های خدمات ایران با کشورهای توسعه یافته (برآورد مدل)

در این قسمت، برای نشان دادن چگونگی تطبیق بهره‌وری بنگاه‌های موجود در زیربخش‌های خدمات ایران، با شرکت‌های چندملیتی فعال در این زیربخش‌ها در

۱- که در این تحقیق، میانگین بهره‌وری نیروی کار سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان، در نظر گرفته شده است.

2-WDI (2005).

کشورهای توسعه یافته، در هنگام رویارویی با جهانی شدن اقتصاد، شکاف بهره‌وری نیروی کار بین زیربخش‌های خدمات در ایران، با کشورهای توسعه یافته محاسبه می‌شود. سپس، با استفاده از یک مدل ادغام داده‌های سری زمانی - مقطعی بین زیربخش‌های خدمات ایران در طی سال‌های ۸۳ - ۱۳۷۶، تأثیر شکاف بهره‌وری (A)، بر نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر (Ls/Lu)، براساس مدل دریفلد و تایلور (۲۰۰۱)، بررسی شده است (اثر سرریز). برای این منظور، از پنج زیربخش خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گری‌های مالی، مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار به عنوان متغیرهای مقطعی در طی سال‌های ۸۳ - ۱۳۷۶، استفاده شده است و دو زیربخش خدمات عمومی و سایر خدمات به دلیل این‌که دولتی بوده و بنگاه‌های خصوصی کم‌تر در این زمینه فعال‌اند، از بررسی حذف شده‌اند، دلیل دیگر حذف این دو نوع خدمات، ماهیت این نوع خدمات است. این نوع خدمات، معمولاً به گونه‌ای‌اند که کالاهای عمومی تولید می‌کنند و لذا تأثیر جهانی شدن و شرکت‌های چندملیتی در این بخش‌ها به ندرت مشاهده می‌شود.

با برآورد مدل تایلور و دریفلد، که به صورت ادغام داده‌های سری زمانی - مقطعی است، نتایج برآورد آن براساس معادله (۱۶)، در سه حالت انجام شده است:

$$\text{Log}(Ls / Lu)_{it} = C_{it} + \beta_{it} \text{Log}(V)_{it} + \beta_{it} \text{Log}(R_s)_{it} + \beta_{it} \text{Log}(A)_{it} + D_{it} + \varepsilon_{it} \quad (16)$$

که i عبارت است از: $i=1...5$ و $t= ۱۳۷۶ - ۸۳$

خدمات بازرگانی، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گری‌های مالی، مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، درضمن متغیر دامی (D)، برای مشاهدات دور افتاده در مدل استفاده شده است.

مورد اول، برآورد معادله (۱۶)، با متغیر بودن عرض از مبدأ^۱ برای هر یک از متغیرهای مقطعی است، که نتایج آن در ستون دوم جدول (۲) آمده است.

مورد دوم، برآورد معادله (۱۶)، با ثابت بودن عرض از مبدأ متفاوت بودن ضریب متغیر شکاف بهره‌وری (A) برای هر یک از زیربخش‌ها است^۲، که نتایج آن در ستون سوم

1-fixed effect.

2-common effect.

جدول (۲)، آمده است. مورد سوم، برآورد معادله (۱۶)، با اضافه کردن متغیر A^2 است. البته در این مورد نیز، ضریب عرض از مبدأ برای هریک از متغیرهای مقطعی، متغیر فرض شده است و نتایج آن در ستون چهارم جدول (۲)، آمده است.

براساس مدل اول (جدول ۲)، ملاحظه می‌شود که ضریب ارزش افزوده (V)، مثبت و معنی‌دار است. ضریب هزینه سرمایه (Rs)، منفی، ولی از نظر آماری معنی‌دار نیست. اما ضریبی که در این مدل برای ما اهمیت دارد، ضریب شکاف بهره‌وری (A) است، که مثبت و معنی‌دار است.

بنابراین، شکاف بهره‌وری بخش خدمات ایران با بخش خدمات کشورهای توسعه یافته، به گونه‌ای است که با افزایش شکاف (بین زیر بخش‌ها)، سهم نیروی کار ماهر به غیرماهر افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، با ورود بنگاه‌های چندملیتی خدماتی به ایران، بنگاه‌های خدماتی موجود در زیربخش‌های خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گری‌های مالی، مستغلات و اجاره و فعالیت‌های کسب و کار با تغییر ساختار نیروی کار خود، به سوی جذب نیروی کار ماهر (افزایش نسبت LS/LU)، بهره‌وری نیروی کار خود را در جهت کاهش شکاف بهره‌وری با بنگاه‌های خارجی، افزایش می‌دهند. حال برای مقایسه این تطبیق بین زیربخش‌های مختلف خدماتی، به مدل دوم که در ستون سوم جدول (۲) آمده است، توجه کنید، ضرایب شکاف بهره‌وری برای هریک از زیربخش‌ها، به صورت مجزا برآورد شده‌اند.

ملاحظه می‌شود که بالاترین ضریب، مربوط به فعالیت‌های خدمات مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار است (۰/۰۹۵) و کم‌ترین ضریب، مربوط به فعالیت‌های خدماتی هتل و رستوران است، بنابراین، زیربخش مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، با تعدیل کم‌تری می‌تواند شکاف بهره‌وری خود را پوشش دهد. زیربخش هتل و رستوران، با تعدیل بیشتری می‌بایست شکاف بهره‌وری خود را کاهش دهد، به عبارت دیگر، بخش مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، با جذب تعداد کمی نیروی کار ماهر، می‌تواند این تعدیل را انجام دهد. یکی از دلایل این امر، وجود خدمات فنی و مهندسی در زیر بخش مذکور است، که سبب بهره‌وری بالا تر این زیر بخش نسبت به سایر زیر بخش‌های خدماتی شده است (کمیجانی و قویدل ۱۳۸۵)، اما بخش هتل و رستوران، با جذب تعداد بیشتری نیروی کار ماهر نسبت به بخش‌های دیگر می‌تواند این

جدول شماره ۲ - برآورد معادله (۱۶) برای زیربخش‌های خدمات، به سه روش مجزا

(دوره زمانی ۸۳ - ۱۳۷۶) (متغیر وابسته نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر $(\frac{L_S}{L_U})$)

مدل سوم	مدل دوم	مدل اول		
۰/۱۹۱ (۹/۶۳)	۰/۱۸۱ (۷/۷۴)	۰/۱۸۶ (۹/۲۲)	۰/۱۸۶	ارزش افزوده (V)
-۰/۱۰۲ (-۱/۲۶)	-۰/۰۸۸ (-۱/۰۹)	-۰/۱۰۷ (-۱/۲۸)	-۰/۱۰۷	هزینه سرمایه (R _s)
۰/۰۸۸۱ (۱۲/۳)		۰/۰۸۲۶ (۱۲/۱۵)	۰/۰۸۲۶	شکاف بهره‌وری (A)
-۰/۰۱۷۷ (-۱/۹۰۹)				توان دوم شکاف بهره‌وری (A ²)
	۰/۰۷۲ (۶/۹۲)			شکاف بهره‌وری زیربخش بازرگانی داخلی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) (A _R)
	۰/۰۶۶ (۵/۴)			شکاف بهره‌وری زیربخش هتل و رستوران (A _H)
	۰/۰۹۰۸ (۶/۲۷)			شکاف بهره‌وری زیربخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات (A _T)
	۰/۰۹۳ (۶/۷۳)			شکاف بهره‌وری زیربخش واسطه‌گری‌های عالی (A _F)
	۰/۰۹۵ (۱۰/۴۸)			شکاف بهره‌وری زیربخش مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار (A _B)
۰/۰۹۷ (۲۲/۳)	۰/۰۹۶ (۲۲/۰۵)	۰/۱۰۳ (۲۹/۲۲)	۰/۱۰۳	متغیر دامی (D)
-۵/۷۵			-۵/۷۱	ضریب ثابت بخش اول (C _R)
-۵/۵۶			-۵/۵۵	ضریب ثابت بخش دوم (C _H)
-۵/۴۶			-۵/۴۳	ضریب ثابت بخش سوم (C _T)
-۳/۳۶			-۳/۳۳	ضریب ثابت بخش چهارم (C _F)
-۳/۴۷			-۳/۴۴	ضریب ثابت بخش پنجم (C _B)
%۹۹	%۹۹	%۹۹		ضریب تشخیص (R ²)
۱/۹	۲	۱/۸۵		آماره دوربین واتسون (D.W)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تعدیل را انجام دهد. به طور خلاصه این‌که، ترتیب تسریع در تعدیل شکاف بهره‌وری در پنج زیربخش یاد شده، به شرح جدول (۳) است.

جدول شماره ۳ - رتبه‌بندی تسریع در کاهش شکاف بهره‌وری نیروی کار زیربخش‌های خدمات ایران، در هنگام رویارویی با فرایند جهانی شدن اقتصاد

رتبه تسریع در کاهش شکاف بهره‌وری در هنگام رویارویی با جهانی شدن	بخش
۱	بخش مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار
۲	بخش واسطه‌گری‌های مالی
۳	بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۴	بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
۵	بخش هتل و رستوران

مأخذ: یافته‌های تحقیق

حال، براساس بررسی‌های تایلور و دریفلد (۲۰۰۱)، بنگاه‌های داخلی در صورتی می‌توانند خود را با بنگاه‌های چندملیتی از نظر شکاف بهره‌وری تطبیق دهند، که این شکاف در حد معقولی باشد، بنابراین، اگر شکاف بهره‌وری بین بخش یا بنگاه داخلی با بخش یا بنگاه خارجی وجود نداشته باشد، هیچ نوع تعدیلی در هنگام رویارویی با شرکت‌های چندملیتی (یکی از مهم‌ترین شاخص‌های جهانی شدن) انجام نمی‌گیرد، اما اگر شکاف بهره‌وری وجود داشته باشد، بنگاه‌های داخلی با افزایش دستمزد نیروی کار ماهر و کاهش دستمزد نیروی کار غیرماهر و جذب نیروی کار ماهر، بهره‌وری خود را با بنگاه‌های خارجی تطبیق می‌دهند. اما این در حالی است که شکاف بهره‌وری از حد معینی بیشتر نباشد. چنانچه شکاف بهره‌وری از حد معینی بیشتر باشد، امکان خروج بنگاه داخلی از بخش موردنظر وجود دارد و باز هم تعدیلی انجام نمی‌گیرد، بنابراین، شکاف بهره‌وری، با نسبت نیروی کار ماهر به غیر ماهر دارای معادله درجه دوم است. که این مورد نیز در ستون چهارم جدول (۲)، با عنوان مدل سوم نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، توان دوم شکاف بهره‌وری (A^2)، دارای ضریبی به مقدار $(-0/0177)$ است و از نظر آماری نیز معنی‌دار است. بنابراین، ارتباط متغیر نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر و شکاف بهره‌وری در بین زیربخش‌های خدمات ایران در طی سال‌های ۸۳ - ۱۳۷۶، دارای معادله درجه دوم با داشتن یک مقدار حداکثر است (مانند نمودار ۲). حال، می‌توان مقدار حداکثر مدل سوم در جدول (۲) را به‌دست آورد:

$$\frac{L_s}{L_u} = C + 0.081A - 0.177A^2 \quad (17)$$

$$\frac{\partial \left(\frac{L_s}{L_u} \right)}{\partial A} = 0.081 - 0.354A = 0 \quad (18)$$

$$A^* = 2/5$$

بنابراین، به طور متوسط شکاف بهره‌وری تا میزان ۲/۵ برابر (شرکت‌های خارجی به داخلی)، سبب می‌شود که شکاف بهره‌وری بین بنگاه‌های خارجی و داخلی کاهش یابد (ناحیه $A < A^*$ و چنانچه شکاف بهره‌وری بیشتر از ۲/۵ برابر باشد (ناحیه $A > A^*$)، امکان کاهش نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر و به عبارت دیگر، عدم تطبیق بنگاه‌های داخلی، با خارجی وجود دارد، بدین ترتیب، امکان خروج برخی از بنگاه‌ها و در نتیجه، کاهش اشتغال و از بین رفتن فرصت‌های شغلی وجود دارد. بنابراین، کاهش شکاف بهره‌وری نیروی کار در زیربخش‌های خدمات، که البته اولویت آن‌ها در جدول (۳) آمده است، یکی از مهم‌ترین اقدامات برای کاهش زیان‌های ناشی از جهانی شدن اقتصاد است، که البته این مهم با جذب نیروی کار ماهر قابل پیشگیری است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شکاف بهره‌وری بخش خدمات ایران با بخش خدمات کشورهای توسعه یافته، به گونه‌ای است که با افزایش شکاف (بین زیر بخش‌ها)، سهم نیروی کار ماهر به غیرماهر افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، با ورود بنگاه‌های چندملیتی خدماتی به ایران، بنگاه‌های خدماتی موجود در زیربخش‌های خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گری‌های مالی، مستغلات و اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، با تغییر ساختار نیروی کار خود به سوی جذب نیروی کار ماهر (افزایش نسبت L_s/L_u)، بهره‌وری نیروی کار خود را در جهت کاهش شکاف بهره‌وری با بنگاه‌های خارجی افزایش می‌دهند. زیربخش مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، با تعدیل کم‌تری می‌تواند شکاف بهره‌وری خود را پوشش دهد. زیربخش هتل و

رستوران، با تعدیل بیشتری می‌بایست شکاف بهره‌وری خود را کاهش دهد، به‌عبارت دیگر، بخش مستغلات اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، با جذب تعداد کمی نیروی کار ماهر، می‌تواند این تعدیل را انجام دهد. یکی از دلایل این امر، وجود خدمات فنی و مهندسی در زیر بخش مذکور است، که سبب بهره‌وری بالا تر این زیر بخش نسبت به سایر زیر بخش‌های خدماتی شده است. هم‌چنین، بخش مذکور، معمولاً توسط بخش خصوصی اداره می‌شود. اما بخش هتل و رستوران، با جذب تعداد بیشتری نیروی کار ماهر، نسبت به بخش‌های دیگر می‌تواند این تعدیل را انجام دهد. بنابراین کاهش شکاف بهره‌وری نیروی کار در زیربخش‌های خدمات، که البته اولویت آن‌ها در جدول (۳) آمده است، یکی از مهم‌ترین اقدامات برای کاهش زیان‌های ناشی از جهانی شدن اقتصاد است، که البته این مهم با جذب نیروی کار ماهر و تبدیل نیروی کار غیر ماهر به ماهر، از طریق آموزش قابل پیشگیری است.

منابع

- ۱- استیگلیتز جوزف (۲۰۰۲)، "جهانی شدن و مسائل آن"، ترجمه حسن گلریز، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲- امینی علیرضا (۱۳۸۱)، "تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار و موانع ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران"، پایان نامه دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۳- کمیجانی اکبر و قویدل صالح (۱۳۸۵) "نقش جهانی شدن اقتصاد در اشتغال‌زایی بخش خدمات و صادرات غیر نفتی ایران" رساله دکتری تخصصی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۴- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۲)، "مجموعه مقالات همایش جهانی شدن اقتصاد" تهران، شهریور ماه ۱۳۸۲.
- ۵- نمونه‌گیری از ویژگی‌های اشتغال و بی‌کاری خانوار، مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف.

- 6- Autor, D., Katz, L. and Krueger, A. (1998) ' Computing inequality: Have computers changed the labour market?', Quarterly Journal of Economics, 113, pp. 1169-1213.
- 7- Bhagwati, Jagdish; Dehejia, Vivek H. (1994): Free Trade and Wages of the Unskilled- Is Marx Striking Again?, in: Jagdish Bhagwati and Marvin H. Kosters (Eds): Trade and Wages, Washington, D.C., 36-75.

- 8- Blonigen. B.A. (2001), In search of substitution between foreign production and employment: Home country experience in the United States and Sweden, *Economic Journal* , 107:1787-1797.
- 9- Brainard , S.L. (1993), A simple theory of multinational corporations and trade with a trade- off between proximity and concentration, NBER Working Paper , n.4269.
- 10-Brainard , S.L. (1997), An empirical assessment of the proximity concentration trade-off between multinational sales and trade, *American Economic Review*, 87: 520-540.
- 11-Blonigen, B. and Slaughter, M. (1999). "Foreign affiliate activity and US skill upgrading", NBER Working Paper 7040. Presented at St Andrews RES 2000.
- 12-Carsten,E. (2000) "Labour Market adjustments to Globalization: unemployment Versus Relative Wages, Department of Economic and Business administration university of passou (Grmany).
- 13-Dasgupta, Indro, Osang, Thomas(1999): Wage Inequality and Specific Factors, unpublished manuscript.
- 14-De Santis, R.A. , Stahler, F.(2004), Endogenous Market Structures and the Gains from Foreign Direct Investment, *Journal of International Economics*.
- 15-Elberfeld, walter, Georg Gotz; and Stabler,F (2004), "Vertical foreign direct Investment, welfare and employment" August 2004.
- 16-Feenstra, R. And Hanson, G. (1996). "Globalization, Outsourcing and Wage Inequality", *American Economic Review*, 86, pp. 240 – 45.
- 17-Green, Francis, Andy Dickerson, and jorge Saba Arbache. (2000). "A picture of Wage Inequality and the Allocation of Labour Through a Period of Trade Liberalization: the Case of Brazil." Canterbury: University of Kent. Processed.
- 18-Haufler,Andreas(1997):Factor Taxation,Income Distribution and Capital Market Integration,in:Scandinavian Journal of Economics,99:3,425-446.
- 19-Helpman, E. (1984), A simple theory of trade with multinational corporations, *Journal of Political Economy*, 92: 451-571.
- 21-Helpman, E., Krugman, P.R. (1985), *Market Structures and Foreign Trade*, MIT Press, Cambridge.
- 22-Helpman, E., Markusen , J.R. (1992), Endogenous market structures in International trade (natura facit saltum), *Journal of International Economics*, 32:109-129.
- 23-Lall, Sanjaya(2002): The Employment Impact Of Globalization In Developing Countries: Working Paper Number 93.
- 24-Markusen, J.R. (1984), Multinationals, multi-plant economies, and the gaint from trade, *Journal of International Economics*, 16: 205-226.

- 25-Markusen, J.R., Maskus, K.E. (2000), Discriminating among alternative theories of the multinational enterprise, in: M. Blomstrom, L. Goldberg(eds.), Topics in Empirical International Economics, Chicago University Press.
- 26-Markusen, J.R., Venables, A.J. (2000), The theory of endowment, intraindustry, and multinational trade, Journal of International Economics, 42: 209-234.
- 27-Rama, Martin (2003), Globalization and Workers in Developing countries”, world Bank Policy Research working paper 2958.
- 28-Richardson, J. David (1995): Income Inequqlity and Trade: How to Think , What to Conclude, Journal of Economic Perspective, 9:3,33-55.
- 29-Stanley, F. (2003), “Globalization and Its Challenges” American Economic Review, Vol 93, P. 1 – 30.
- 30-Taylor, K. And Driffield, N. (2002). “Spillovers from FDI and Skill Structures of Host – Country Firm”, Birmingham Business School, university of Birmingham, Edgabastone, Birmingham, B 152 TT economic section, Cardiff Bussiness School, Aberconway Building, Colum Drive Cardiff, CF 103 EU.
- 31-world Development Indicator (2005).